



**سنگسار یک دختر
۱۳ ساله، دسته گل
جدید جنبش ارتجاعی
اسلامی**

سر ستون
شهلا نوری

در تاریخ ۲۷ اکتبر ۲۰۰۸ یک لکه ننگ دیگر بر کارنامه جنایات کثیف جنبش اسلامی افزوده شد: سنگسار یک کودک ۱۳ ساله ای که مورد تجاوز قرار گرفته بود، به "جرم" "زناى محصنه" نکردند.

از سازمان عفو بین الملل گرفته تا بسیاری از رسانه های بین المللی در روزهای اخیر پرده از یک جنایت علیه کودک ۱۳ ساله سومالیایی برداشتند. اما هیچ اشاره ای به متجاوزین که خود نمایندگان همین اسلامپستها هستند، نکردند.

به بخشی از گزارشهای مندرج بر روی سایتهای خبری جهان نگاه کنید: این عین جملات کمیته گزارشگران حقوق بشر در ایران است.

به گزارش شبکه تلویزیونی بی بی سی، بر اساس گزارش سازمان عفو بین الملل، این دختر سیزده ساله که از سوی سه مرد مورد تجاوز جنسی قرار گرفته بود پس از شکایت به مراجع قانونی در دادگاه اسلامی محاکمه شد. دادگاه نیز این دختر را به علت زناى محصنه مجرم دنباله در صفحه ۲

خشونت اسیدی علیه دختران در افغانستان

لیزا سروش

صفحه ۵

"تلویزیون حلال" در خدمت اسلام سیاسی

شهلا نوری

صفحه ۵

**بیانیه اعلام موجودیت سازمان آزادی
زن**

صفحه ۶

تجاوزی جدید به حقوق زنان در کردستان عراق

صفحه ۷

**سازمان آزادی زن
کجا ایستاده است؟**

آذر ماجدی
بخش اول



این تیتروصحت امروز است. میخواهیم نگاهی بیاندازیم به

فعالیت ها، موقعیت و جایگاه سازمان آزادی زن، بویژه که بزودی سالگرد تاسیس سازمان آزادی زن است. ما در این جلسه به پیشباز این سالگرد می رویم. بیانیه اعلام موجودیت سازمان آزادی زن در نوامبر ۲۰۰۲ منتشر شد و اوایل دسامبر ۲۰۰۲ طی مراسمی رسماً افتتاح شد.

نگاهی به گذشته

در این شش سال سازمان آزادی زن برای امر برابری زن و مرد تلاش های بسیاری کرده و ضمناً افت و خیزهای بسیاری را از سر گذرانده است. متأثر از وضعیت سیاسی جامعه، موقعیت اپوزیسیون و افت و خیز های جنبش کمونیسم کارگری، در سازمان آزادی زن نیز گرایشات مختلفی شکل گرفته است. اما علیرغم تمامی مشکلات و معضلات متعدد، سازمان آزادی زن اکنون موقعیت خود را بعنوان یکی از پیشتازان مهم جنبش آزادی زن، چه در ایران و چه در سطح بین المللی کاملاً تثبیت کرده است. من این واقعیت را بعنوان بنیان گذار سازمان آزادی زن و بعنوان یکی از کسانی که از همان ابتدا در این سازمان فعالیت کرده است، با افتخار در اینجا اعلام میکنم. دوستان متعددی در دستاورد ها و موفقیت های سازمان سهیم بوده اند که هم اکنون تعدادی از آنها در این جلسه حضور دارند.

درست است که سازمان آزادی زن شش سال پیش تشکیل شد، اما این سازمان به جنبشی تعلق دارد که اکنون سی سال است برای برابری زن و مرد و آزادی زنان تلاش و مبارزه کرده است. برخی از کادرهای فعال و موثر در این سازمان از پیش از انقلاب برای امر برابری زن و مرد تلاش می کرده اند و در سال های انقلاب فعالانه برای این امر می کوشیدند. کمی جلو تر بیاییم. این سازمان به همان جریانی تعلق دارد که مجله مدوسا، نشریه کانون زن و سوسیالیسم را منتشر میکرده است و کنفرانس های مدوسا را سازمان داده است. اولین جریانی که نماینده های گرایشات مختلف جنبش حقوق زن را با گرایشاتی بعضاً در تقابل کامل با هم، دعوت کرد تا دور یک میز با هم بحث کنند. اولین کنفرانس را در استکهلم در سال ۱۹۹۹ تشکیل دادیم که شیرین عبادی و مهناز افخمی از جمله سخنرانان آن بودند. این کنفرانس، بعنوان اولین در نوع خود، سروصدای زیادی کرد. ما به جریان و جنبشی تعلق داریم که **پرنامه یک دنیای بهتر** را منتشر کرده است.

یکی از ویژگی های برجسته این برنامه تحلیل آن از موقعیت زن در جامعه و مطالبات آن در زمینه حقوق دنباله در صفحه ۲

ستم بر زن موقوف!

سنگسار یک دختر ۱۳ ساله، دسته گل جدید جنبش ارتجاعی اسلامی

شناخته و حکم سنگسار وی را صادر کرد. به دنبال صدور حکم، دختر تا گردن درون خاک مدفون شده و سنگسار شد.

به گزارش رویترز، شیخ حیاک الله به حاضرین گفت، این اولین باری است که شهر کیسمایو شاهد صحنه "تطبیق حکم شریعت" می شود. گفتنی است که جنگجویان طرفدار حسن ترکی، یکی از رهبران اسلامگرایان در سومالی، شهر کیسمایو را زیر کنترل خود در آوردند و با تأسیس حکومت مستقلی در این شهر، تطبیق دقیق شریعت اسلامی را آغاز کردند.

آفتاب یزد نوشت: دادگاهی در سومالی حکم سنگسار یک زن سومالی را به اتهام "زنا کاری" صادر کرد و دستور داد تا وی را تا گردن زیر خاک دفن نموده، سپس توسط ۵۰ نفر سنگسار شود.

در این میان برخی هم با وقاحت تمام از اعتراف دخترک ۱۳ ساله مبنی بر اینکه رابطه نامشروع خارج از ازواج داشته و خود تقاضا کرده که با سنگسار به سزای اعمال خود برسد، سخنوری کردند!

چرا هیچ کدام جرأت نکردند بگویند، این نوع از جنایت گذشته از اینکه در کدام نقطه جهان صورت بگیرد، از خود اسلام سرچشمه میگیرد؟

چرا کسی از آینده زن در سومالی چیزی نمی گوید؟ حتی اعضای کمیته گزارشگران حقوق بشر ایران، که ۳۰ سال است تحت همین قوانین زندگی می کنند و با پوست و گوشت خود این قوانین قرون وسطایی را لمس کرده اند، فقط به دادن گزارش اکتفا می کنند و در گزارش خود از کلمه اسلامی "زنا محصنه" استفاده می کنند.

باندهای مسلح اسلامی، پایتخت سومالی و تقریباً سراسر بخش شمال سومالی را به تصرف خود در آورده اند. روسای این قبایل بعد از تشکیل دادگاه اسلامی، اقدام به تشکیل اتحادیه دادگاه های اسلامی و سپس شورای دادگاه های اسلامی کردند. اکنون که این دادگاه ها بر بخش وسیعی از سومالی تسلط یافته، چند تن از روسای آن در مصاحبه با روزنامه الاتحاد امارات چنین گفته اند:

"در تلاشیم تا اول با حکومت انتقالی دولت را تشکیل دهیم. هر وقت امور بر قرار شد از تطبیق شریعت صحبت می کنیم یعنی زمانیکه دولت واحد تشکیل و قانون اساسی وضع شود و زندگی به طبیعت خود بازگردد."

این اوباش قرار است زندگی مردم سومالی، سرنوشت زنان و کودکان سومالی را رقم زنند. سنگسار یک دختر سیزده ساله طلیعه این حکومت است. اگر جهان به اعتراض بلند نشود، اگر اسلام سیاسی را عقب نزنیم، میلیون ها نفر دیگر قربانی ارتجاع و جنایت پیشگی این جنبش کثیف خواهند شد. مماشات با این جنبش کاری ضد انسانی است. باید ماهیت ارتجاعی، زن ستیز و ضد بشری این جنبش را افشاء کرد و برای به شکست کشاندن آن مجهز شد.

شهلا نوری

سازمان آزادی زن کجا ایستاده است؟

کامل و بشکلی رادیکال فرموله کرده ایم، بلکه همچنین یک لحظه از نقد گرایشاتی که امیال و خواست های زنان را تقلیل می دهند، گرایشاتی که امر آزادی زن را به سازش می کشانند، کوتاهی نکرده ایم. دائماً فرهنگ عقب مانده مردسالار و اخلاقیات و فرهنگ شرق زده و مذهبی جامعه را نقد کرده ایم. جریانات باصطلاح ضد امپریالیست را که مبارزه برای آزادی زن را مشروط به شکست امپریالیسم می کنند، جنبش آزادی زن را در مقابل ناسیونالیسم و اسلام سیاسی قربانی می کنند، شدیداً نقد و افشاء کرده ایم. این جریانات خاص ایران نیستند، در خاورمیانه و در باصطلاح جهان سوم حضور دارند. مردسالارهای مرتجعی چون جلال آل احمد و فرانس فانون نمایندگان فکری آنها هستند.

جریاناتی مانند سازمان مجاهدین و سازمان های چپ ملی اسلامی به این خط تعلق دارند. اکنون در ایران، بدنبال تجربه انقلاب شکست خورده ۱۳۵۷ و سرکوب شدید زنان، این جریانات جرئت نمی کنند که صریح نظریه خود را اعلام کنند. واقعیت موضع آنها را از شرط و شروط هایی که بر آزادی زن می گذارند می توان دریافت.

این جریانات هر زمان که راجع به حقوق زن حرف می زنند، می گویند با آزادی زن موافق اند، بشرط اینکه فساد ایجاد نشود. باید از آنها پرسید که چرا هر وقت صحبت از آزادی زن می شود، شما یاد فساد می افتید؟ چرا نزد اینها آزادی زن و فساد

یک دو قطبی را صفحه بعد

زن است. این برنامه بدون اغراق مترقی ترین برنامه در این عرصه در سطح جهانی است. من خودم یکی از فعالین قدیمی جنبش آزادی زن هستم و با جریانات مختلفی سر و کار داشته ام. حتی فمینیست های دوآتشه ای که در دهه ۸۰ میلادی به سوسیالیسم از زاویه موقعیت زن نقد داشتند و خواهان طلاق از جنبش سوسیالیستی بودند، چرا که به گفته آنها جنبش سوسیالیستی به مطالبات زنان بی توجه است، در عمل خواست هایی رادیکال تر از هیلاری کلینتون مطرح نمی کنند. اینها در تئوری به جنبش سوسیالیستی نقد می کردند (ما اینجا به ماهیت این جنبش سنتی سوسیالیستی و انحرافات اش کاری نداریم) اما در عمل به احزابی همچون حزب کارگر در انگلستان و دموکرات در آمریکا آویزان می شدند.

در مقابل این جنبش فمینیستی و سوسیالیسم سنتی، "یک دنیای بهتر" حاصل جنبش رادیکال و آزادیخواه و برابری طلب کمونیسم کارگری است. مطالبات این برنامه برای آزادی زن بسیار از مطالبات جنبش فمینیستی دو آتشه نیز فراتر می رود. سازمان آزادی زن سه دهه تجربه مبارزه برای آزادی و برابری را پشت سر دارد. پشتوانه این سازمان یک گنجینه غنی از تئوری و مبارزه عمیق رادیکال است. این جنبش ثابت قدمی خود در دفاع از حقوق زن و تعهد خویش به آزادی و برابری زن را در جبهه های مختلف به اثبات رسانده است.

ما طی این سال ها، نه تنها مطالبات زنان را در جزئیات

زنده باد برابری! زنده باد آزادی!

سازمان آزادی زن کجا ایستاده است؟

تشکیل می دهند؟ چرا وقتی راجع به آزادی بیان و احزاب صحبت می کنیم، کسی یاد فساد نمی افتد؟ پاسخ بسیار روشن است. این مرد سالاری عمیق، عقب ماندگی فرهنگی و شرف زده اسلامی است که آزادی زن را مترادف با فساد می داند. زیرا زن را بعنوان یک شیء جنسی متعلق به مرد می داند و لذا آزادی او را فساد. ما این فرهنگ و این نظریات را نقد کردیم. اسلام را عمیقاً و شدیداً نقد کرده ایم. جنبش اسلام سیاسی و جایگاه آن را در شرایط حاضر و در کشمکش جهانی نقد و افشاء کرده ایم. نشان داده ایم که چگونه فرهنگ ناسیونالیستی ایرانی عقب مانده و ضد زن است. و بالاخره هم ضد امپریالیستی گری چپ سنتی و هم نسبیت فرهنگی و مولتی کالچرالیسم را در رابطه با حقوق زن نقد کرده ایم.

زمانی که به حیات ۳۰ ساله خودمان به عنوان یک جنبش نگاه می کنیم جنبشی را مشاهده می کنیم که تعهدی محکم به آزادی بدون قید و شرط زنان و برابری کامل و واقعی زن و مرد دارد و توقف ناپذیر از این امر دفاع کرده است، مسئولانه به سرکوب فعالین جنبش زن اعتراض کرده است و قاطعانه هر گرایشی که به نوعی مرد سالاری، زن ستیزی، فرهنگ و ارزشهای عقب مانده در رابطه با موقعیت زن در جامعه طرح و نمایندگی می کند را نقد و افشا کرده ایم. این کارنامه جنبش ماست. سازمان آزادی زن به این جنبش تعلق دارد. اکنون پس از ۶ سال ما می توانیم برگردیم و با ارزیابی گذشته، با افتخار اعلام کنیم که

عیلرغم تمام مشکلات و مصائبی که مقابل مان قرار گرفت، توانستیم با اعتماد به نفس و با قدرت پرچم آزادی و برابری زن و مرد را برافراشته نگاه داریم و نه تنها در ایران بلکه در سطح بین المللی پیشتاز این مبارزه باشیم.

فعالیت های سازمان آزادی زن

من قصد ندارم که امروز درباره تاریخ شش سال گذشته صحبت کنم. همین مقدمه کوتاه برای بحث امروزمان کافی است. باید تاریخ جنبش آزادی زن و لحظات مختلف آن را به رشته تحریر درآوریم. باید تاریخ سازمان آزادی زن را نیز بنویسم. اما امروز می خواهیم به فعالیت های شش هفته ماه گذشته سازمان آزادی زن و دستاوردهای آن نگاهی بیاندازیم.

بحث را به این شکل پیش می بریم که ابتدا مختصراً درباره فعالیتهای مان صحبت می کنم بعد به استراتژی، تئوری و بینش سازمان آزادی زن و نقد به گرایشهای دیگر می پردازم. در این مورد صحبت می کنم که چگونه نقد ما نفوذ داشته و در این جنبش رخنه کرده است. بطور مثال نوشته ای از خانم شادی صدر در مقابلم است که همین امروز دریافت کردم و سریع نگاهی به آن انداختم. برام جالب بود. در این نوشته دارد به نقد هایی که به سیاست و تاکتیک های کمپین لایحه خانواده شده، پاسخ می دهد. بخش اصلی پاسخ عملاً دارد به نقد ما نیز می پردازد و از حرکت جریان ملی اسلامی جنبش حقوق زن در کمپین علیه لایحه حمایت خانواده و رفتن به مجلس دفاع می کند. سازمان آزادی زن

فعالانه به این گرایش و کمپین و روش های آنها نقد کرد. به این مساله برمیگردم.

ما بزودی تلاش خواهیم کرد که بخشی از نوشته های سازمان آزادی زن را در چند جلد کتاب منتشر کنیم تا سیاست ها و نقد های ما در یک مجموعه در دسترس باشد. نگاهی به این ادبیات پیگیری و انسجامی که در مواضع ما وجود دارد را نشان می دهد. یک سال پیش کتابی به زبان انگلیسی تحت عنوان "حقوق زن در تقابل با اسلام سیاسی" که مجموعه ای از نوشته های من است، منتشر کردیم. (اگر کسی مایل باشد این کتاب را داشته باشد، میتواند با تماس با سازمان آزادی زن آن را



دریافت کند.)

اما خیلی خلاصه در مورد فعالیتهای سازمان آزادی زن. در این مدت ما توانستیم فعالیت های گسترده ای را در سطح بین المللی و در رابطه با جنبش حقوق زن در ایران به پیش ببریم. سازماندهی کنفرانس بین المللی هشت مارس ۲۰۰۸ در شهر گوتنبرگ، سوئد، یک نقطه عطف مهم در فعالیت های ما بود. در این کنفرانس ما نه تنها صدمین سالگرد هشت مارس را گرامی داشتیم، بلکه در دفاع از فعالین حقوق زن و فعالین دانشجویی و کارگری که در زندان به سر می بردند هم یک شب همبستگی برگزار کردیم.

تم اصلی کنفرانس، نقد اسلام سیاسی، خشونت علیه زن و

جنایت ناموسی بود. ۱۰ شخصیت برجسته جنبش بین المللی آزادی زن از عراق، ایران، سوئد و فرانسه سخنرانی کردند. یک شب بسیار پرشور و پر هیجان در دفاع از حقوق زن و آزادی و برابری و در نقد اسلام سیاسی. چندین ساعت بحث فشرده، سخنرانی های زیبا و کارهای هنری زیبا که با استقبال روبرو شد. این کنفرانس دری را باز کرد بروی یک سری فعالیت های گسترده بین المللی دیگر و پیدا کردن یک سری ارتباطات مهم بین المللی برای اینکه بتوانیم فعالیت هایمان را گسترش دهیم. این کنفرانس دستاوردهای مهمی برای سازمان آزادی زن در بر داشت و نقش مهمی در تثبیت سازمان آزادی زن بعنوان پیشتاز جنبش آزادی زن در سطح بین المللی ایفاء کرد.

دخالته در مبارزه علیه تثبیت قانون شریعه در انگلستان و انتشار نوشته ما در بسیاری از وب سایت های مهم و برخورد های مثبتی که به این نقد شد، پیشتازی نظری ما و استحکام و انسجام ما را در نقد رادیکال مذهب و اسلام سیاسی به اثبات رساند. ارائه بحثی در کنفرانسی که بمناسبت سالگرد سنگسار دعا در لندن، انگلستان سازمان یافت و سپس ارائه این بحث بشکل مقاله در رابطه با ماهیت جنایت ناموسی و نقش آن در سرکوب و ارباب زنان در جامعه، تحت عنوان "جنایت ناموسی، تروریسم علیه زنان" که به بحث های جالبی دامن زد، موقعیت ما را تثبیت و مستحکم کرد.

کنفرانس رم

در پیگیری ارتباطات بین المللی جدیدی که پیدا کرده ایم، به یک کنفرانس مهم سکولار در دفاع از حقوق زن در شهر رم،

صفحه بعد

نه به حجاب اسلامی، نه به سرکوب زنان!

سازمان آزادی زن کجا ایستاده است؟

به جنبش گسترده حقوق زن در ایران وجود دارد. سازمان آزادی زن در این رابطه نقش موثری دارد. تصویر یک جامعه اسلامی محجبه که پیش از این از ایران در اذهان عمومی وجود داشت تا حدود زیادی محو شده و تصویر یک جامعه فعال و مبارز جای آن را گرفته است.

۸ مارس ۲۰۰۹

سازماندهی یک کنفرانس بین المللی برای هشت مارس اقدام مهم بعدی ما است. تم آن تأثیر مذهب بر زندگی و حقوق زنان، چرا سکولاریسم ضروری است؟ تعداد زیادی فعال حقوق زن و سکولاریسم از کشورهای مختلف اروپا، خاورمیانه و آمریکای لاتین در این کنفرانس سخنرانی می کنند. یک سازمان سکولاریستی بین المللی و سازمان علیه جنایت ناموسی از این کنفرانس حمایت کرده اند. یک ویژگی این کنفرانس نسبت به کنفرانس سال گذشته، نقد تمام مذاهب و نه فقط اسلام است. ما توانسته ایم توجه جهان را به ماهیت ضد زن و ارتجاعی اسلام جلب کنیم. اسلام سیاسی را بعنوان یک جنبش ارتجاعی و تروریستی بشناسانیم. اکنون زمان آن رسیده است که کلیه مذاهب را نقد و افشاء کنیم و پروژه مذهب زدایی را در دستور بگذاریم. موقعیت زنان در لهستان، اسپانیا و پرتغال تحت کاتولیسیسم، در رومانی و روسیه تحت کلیسای ارتدوکس و در اسرائیل تحت مذهب یهود واقعا اسفناک است. این حقایق را نیز باید به جهانیان معرفی کنیم. در این کنفرانس فعالینی از لهستان، رومانی، آرژانتین، اردن، فلسطین و اسرائیل نیز شرکت دارند.

آذر ماجدی

هزاران نفر برسانیم. مبحث لزوم تشکیل قطب سوم، بشریت متمدن در برابر دو قطب تروریستی را وسیعا طرح کردیم و با استقبال گرم مردم روبرو شد. هزاران اطلاعیه پخش کردیم، تعداد زیادی کتاب فروختیم، بیش از هزار نفر پتیشن ما در محکومیت آپارتاید جنسی و در دفاع از حقوق زنان در ایران را امضاء کردند. این یک وجه مهمی از فعالیت ما در سطح بین المللی است: جلب همبستگی مردم جهان و افکار عمومی بین المللی نسبت به جنبش حقوق زنان در ایران علیه آپارتاید جنسی و در دفاع از مبارزات مردم ایران علیه رژیم اسلامی



و شناساندن واقعیت های جامعه ایران به افکار بین المللی. وجه دیگر، دخالت فعال ما در جنبش بین المللی دفاع از حقوق زن، جنبش دفاع از سکولاریسم و همچنین در شکل دادن به قطب سوم در تقابل با دو قطب تروریستی است. این وجه بویژه نقش پیشتاز و خصلت رادیکالیسم سازمان آزادی زن را تثبیت کرده است.

یک کمپین مهم سازمان آزادی زن دفاع از فعالین دستگیر شده جنبش حقوق زن در ایران است. یک کمپین سازمان دادیم و کوشیدیم افکار عمومی بین المللی را نسبت به وضعیت زنان و جنبش زنان در ایران آگاه کنیم و همبستگی آنها را وسیعی در سطح جهانی نسبت

توسط منصور حکمت فرموله و ارائه شده است با استقبال بسیار روبرو شد. این بحث را در مجامع بین المللی دیگری نیز پیگیری کردیم و تعداد زیادی خواهان ارائه قدم های عملی تشکیل آن بودند. آوازه سازمان آزادی زن اکنون به کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا رسیده است. اخیرا یک اتفاق جالبی افتاد. یک سازمان تحقیقی و آکادمیک حقوق بشر سوئدی از من برای تدریس در یک برنامه آموزشی در مورد حقوق بشر و حقوق زن دعوت کرده است. مطلع شدم که

تعدادی از فعالین این عرصه در کشورهای اردن و مراکش دعوت از من را به این موسسه توصیه کرده اند.

فروم اجتماعی اروپا

در ماه سپتامبر در دو مجمع مهم در سوئد شرکت فعال داشتیم: فروم اجتماعی اروپا و نمایشگاه بیم المللی کتاب در گوتنبرگ. در هر دو مجمع سازمان آزادی زن توانست نقش بسیار فعال و پیشتازی داشته باشد. در فروم ما یک سمینار بسیار موفق داشتیم که حدود ۱۵۰ نفر در آن شرکت کردند. تم کنفرانس اسلام سیاسی و حقوق زن و کشمکش میان دو قطب تروریستی بود. همچنین در یک پانل در مورد امنیت در اروپا امنیت برای چه کسی؟ شرکت داشتیم.

هم در فروم و هم در نمایشگاه کتاب موفق شدیم صدای آزادیخواهی و برابری طلبی جنبش آزادی زن در ایران و جنبش مردم زحمتکش علیه رژیم اسلامی را به گوش

ایتالیا دعوت شدیم. این کنفرانس یکی از وقایع مهم دهه اخیر در رابطه با جنبش سکولار و آزادی زن در سطح بین المللی بود. بیش از صد فعال مجرب و جوان از کشورهای و سازمان های مختلف در این کنفرانس جمع شدند و بمدت دو روز بحث های داغ و مهمی را با یکدیگر در میان گذاشتند و به نتایج مشترکی برای کار مشترک دست یافتند. علاوه بر تمام کشورهای اروپا، از چند کشور خاورمیانه نیز در این کنفرانس شرکت داشتند.

یکی از خصوصیات برجسته این کنفرانس گرد آوردن یک فمینیسم نوین بود. یک گرایش بسیار رادیکال، چپ و سکولار. این جریان از برابری انسان ها و نه فقط زنان دفاع میکرد. از حقوق رفاهی و اجتماعی و حق شهروندی کلیه پناهنجویان و مهاجرین دفاع می کرد. این کنفرانس سازمان آزادی زن را با یک جریان مهم و رادیکال مدافع حقوق زن در ارتباط نزدیک قرار داد. از حضور ما استقبال بسیاری شد. سه قطعنامه ای که ما ارائه دادیم به اتفاق آراء به تصویب رسید. و قرارهای جدی برای کارهای آتی گذاشتیم. این ارتباطات را تاکنون دنبال کرده ایم و فعالیت های مشترک دیگری را در فروم اجتماعی اروپا و برای ۸ مارس ۲۰۰۹ سازمان دادیم. اکنون خود من در رهبری سازمان ابتکار فمینیستی اروپا انتخاب شده ام. این کنفرانس یک دروازه ای بود به یک فعالیت گسترده چپ برای دفاع از حقوق زن. فراخوان من به تشکیل قطب سوم در تقابل با دو قطب تروریستی دولتی و اسلامی، که

آپارتاید جنسی باید ملغی گردد!

"تلوویزیون حلال" در خدمت اسلام سیاسی**شهلا نوری**

روز ۳ نوامبر برنامه ای به نام تلویزیون حلال در تلویزیون سراسری سوئد به نمایش گذاشته شد که مبنای شد برای بحث حول این برنامه. در درجه اول نام این برنامه با خود پیمای روشن دارد؛ **حلال!**

اما آنچه که با دیدن اسم این برنامه در مغز شهروند سوئدی متبادر می گردد، همان چهره مسئولین مهد کودک و سنوال همیشگی در اولین برخورد با شهروندان مهاجر است. آیا فرزند شما گوشت خوک می خورد؟ همه کسانی که در سوئد به مهد کودک و مدرسه رفته اند با این جملات روبرو شده اند. همه میدانند عبور از خط قرمز حلال و حرام اسلام با چه عقوبتی روبرو خواهد شد. مسئولین مهدکودک و مدارس هم به خوبی مرز خود را می شناسند و برای اینکه به عقوبت کفر در قبال انجام عمل "حرام" در مقابل حلال" قرار نگیرند، پای خود را به خط قرمز نزدیک نمی کنند.

طرح این سنوال، از روز اول ورود کودکان به محیط آموزش پرورش، جدایی بخشی از

کودکان با دیگران را، لااقل در عرصه فرهنگ غذایی کودکان به نمایش می گذارد. این پروسه چندین دهه است در سرتاسر سوئد تکرار شده و بخشی از کودکانی که در چند دهه پیش این روزها را پشت سر گذاشته اند، اکنون بزرگسالانی هستند، همچنان اسیر دست نسبیبت فرهنگی حاکم. اما برای بخش عظیمی از همان کودکان که اولین تفاوت خود را با خوردن گوشت خوک تجربه کردند، و اگر دختر بودند از ۹ سالگی ملبس به حجاب اجباری پدر و مادر خود گشتند، اینگونه برنامه ها، تکرار نمایش بیحقوقی است که سالهای سال با آن دست و پنجه نرم کرده اند.

"حلال" در زبان اسلام در مقابل آنچه که "حرام" خوانده می شود، نه تنها در تمامی مراحل زندگی مردم مسلمان دخالت می کند، بلکه زندگی دیگران را نیز که منتسب به مسلمان هستند در معرض اتهام کافر بودن قرار می دهد. این همان ادامه پروژه نسبیبت فرهنگی است که از بازگشایی مساجد و مدارس مذهبی

حمایت می کند. این همان پروژه نسبیبت فرهنگی است که استخر جداگانه فراهم می کند و زیربار خواست پدر و مادر مسلمان شانه خم می کند. این همان پروژه ای است که نظام آموزش و پرورش را به تطبیق با خواست اسلام وادار می کند و شانس آموزش روابط جنسی را در کلاسهای آموزش بیولوژی از دختران سلب میکند. اینگونه برنامه ها در ادامه همان پروژه ای است که حاضر نیست حجاب اجباری تحمیل شده از طرف پدر و مادر مسلمان را بر زندگی کودک زیر ۱۶ سال، ممنوع اعلام کند.

دست اندرکاران تهیه این برنامه برای فروش برنامه مبتدل خود به مردمی که در شبهای سرد زمستان بلاچار به تلویزیون خود پناه می برند، درجه تحصیلات مجریان برنامه را به رخ بیننده می کشد. جهت تبلیغ این برنامه در مدیای سوئدی درج میشود که یکی از مجریان برنامه درس وکالت را در سوئد خوانده است.

اما خود برنامه

طبق گفته مجریان این برنامه قرار است این سری از برنامه ها به مسائلی از قبیل برابری

زن و مرد، تفاوت طبقاتی، سکس و مشروبات الکلی بپردازد و تفاوت مسلمانها و غیر مسلمانها را به نمایش بگذارد. باید به این مجریان برنامه گفت: در این بازی "بکس" شما از قبل بازنده محسوب شده اید! صحنه دست ندادن زنان مسلمان در بخش اول فیلم با مردی (چون طبقه فرامین اسلامی حرام است) و رفتار توهین آمیز آن مرد، نشاندهنده تقابل دو تفکر غیر مدرن و ضد انسانی است. این برنامه چنین عقب ماندگیهایی را آموزش میدهد.

مردم پیشرو و برابری طلب سوئد نه با آن فرهنگ مردانه و توهین آمیز سنخیتی دارند و نه با محصولات نسبیبت فرهنگی و برنامه تلویزیونی حلال. سیاست دولت سوئد اما هم مثل بیشتر دولتهای اروپایی، سر تعظیم فرود آوردن در مقابل دستگاه مذهب از جمله اسلام است. هدف از این برنامه ها نه تنها باز گذاشتن دست اسلام و ترویج خرافات قرون وسطایی است، بلکه در کنار این پروژه ها دست کلیسا و دیگر ادیان را هم در خدمت سرمایه و تحمیل مردم بازتر خواهد شد. این همه ماجراست!

زنان در اکثر اوقات به نسبت مشکلات خانوادگی و یا غیره مسایل خشونت اسیدی را تجربه کرده اند اما اینکه خبر اسید پاشی به صورت رسمی توسط رسانه ها به اذهان مردم برسد نخستین بار است و از لحاظ شکل و نوع جنایت نیز کاملا جدید میباشد.

نظر به گزارشات، شش تن از این دختران به شفاخانه منتقل شدند و سه تن از آنها به دلیل جراحت چشم

دنیاله در صفحه ۸

سال قبل در ولایت لوگر گروهی افراد مسلح بر دختران دانش آموز حمله و تعدادی از دانش آموزان یک مکتب دخترانه را به رگیار بستند که در نتیجه آن سه تن کشته شده و چهارتن دیگر زخمی شدند. دختری در ولایت کاپیسا توسط افراد مسلح از مسیر راه مکتب فرار داده (ربوده) شد و یک دختر مکتب در ولایت جوزجان توسط مردی مسلح زخم برداشت.

آموزگار مجروح شده اند، اما مقامات محلی قندهار شمار مجروحان این حادثه را سی تن اعلام کرده اند.

ماجرای عجیب و غیر انسانی اسید پاشی به صورت دختران مکتب (مدرسه) تنها مورد جدید مجازات از جانب تروریستان و دشمنان آزادی و حق زن نیست در واقع حوادث مشابهی در بخشهای مختلف جامعه اتفاق می افتد که در اکثر موارد ما از آن مطلع نیستیم.

خشونت اسیدی علیه دختران در افغانستان**لیزا سروش**

حمله به دانش آموزان توسط مردان ناشناس! به تاریخ ۱۳ نوامبر ۲۰۰۸ در ولایت قندهار در جنوب افغانستان در محلی به نام میرویس مینه، مردی به سر و صورت دست کم پانزده تن از دختران دانش آموز اسید پاشید. مقامات وزارت معارف گفته اند در این حادثه پانزده تن به شمول دو

رهائی زن رهائی جامعه است!

بیانیه اعلام موجودیت سازمان آزادی زن

قوا به جلو رانده شود، به برنامه و پلاتفرمی روشن مجهز شود، نیرویش را متمرکز کند و با دستیابی به رهایی نه تنها جامعه ایران را از شر مردسالاری و زن ستیزی خلاص کند، بلکه در تغییر وضعیت زنان در منطقه و در کشورهای اسلام زده نیز نقش و تاثیر مهمی داشته باشد. "سازمان آزادی زن" با این هدف ایجاد میشود.

هدف ما آزادی بی قید و شرط زن و برابری کامل زن و مرد در ایران است. به این منظور سازمان آزادی زن برای دستیابی به خواستههای زیر مبارزه میکند:

۱- برابری کامل حقوق زن و مرد؛ لغو قوانین تبعیض آمیز، به ویژه قوانین مربوط به خانواده، ازدواج، طلاق، حضانت و سرپرستی اطفال؛

۲- لغو حجاب اجباری، و آزادی پوشش؛

۳- لغو کامل جدا سازیها؛

۴- برخورداری از امکانات مساوی در آموزش، اشتغال، ورزش و امور فرهنگی؛

۵- جدایی مذهب از دولت و آموزش و پرورش.

مبارزه بی امان با تمامی تلقیات و ارزشهای مردسالارانه و زن ستیزانه نیز از جمله وظایف مهم و فوری ماست. ما میکوشیم ظرف متحد کردن وسیع ترین توده های زن و مرد ایران برای تحقق اقدامات فوق و ابزار سازماندهی و رهبری جنبش پر قدرت رهایی زن در ایران باشیم.

زنان، دختران، مبارزین آزادی زن، سازمانها و تشکل های مدافع حقوق زن در ایران، به "سازمان آزادی زن" بپیوندید تا با هم علیه بیحقوقی زنان، علیه مردسالاری لجام گسیخته و برای رهایی زنان مبارزه کنیم.

آذر ماجدی

آزادی زن معیار آزادی جامعه است. نه تنها در ایران که زن ستیزی بشکلی توحش آمیز حکم میراند، در پیشرفته ترین جوامع امروز بشر نیز، کارهای زیاد و عاجلی برای امحاء کامل نابرابری بین زن و مرد پیش روی ماست. "سازمان آزادی زن" مقدمات خود را جزئی از یک مبارزه عظیم، تاریخی و جهانی برای رهایی زن میداند.

در ایران، ما با یک ارتجاع اسلامی، سرکوبگر و قرون وسطایی علیه زنان روبرو هستیم. نظام حاکم در ایران یک آپارتاید جنسی تمام عیار است. حجاب اجباری، جداسازی همه جانبه زن و مرد در تمامی ابعاد اجتماع، و تبدیل زنان به شهروندان بی حقوق و درجه دوم قانون رسمی کشور است؛ زن ستیزی خصلت اصلی و هویتی نظام حاکم و تحقیر، سرکوب و بیحقوقی روزمره سهم زنان از زندگی است. بکارگیری سنن قرون وسطایی از قبیل سنگسار نشانگر عمق خشونت لخت و عربانی است که در این نظام علیه زنان اعمال میشود.

حاکمیت نظام مردسالار و عقب مانده پدیده ای خاص دو دهه اخیر نیست. جامعه ایران از یک مردسالاری و زن ستیزی مزمن در عذاب است. تاریخ ایران شاهد تلاشهای زنان و جریانات آزادیخواه برای خلاصی از این وضعیت حقارت آور بوده است. تلاشهای زنان آزادیخواه برای تغییر این وضعیت در ابتدای قدرت گیری جمهوری اسلامی با سرکوبی خشن روبرو شد. جمهوری اسلامی در همان اولین روزهای حیاتش با اعتراض وسیع زنان روبرو گردید و علیرغم همه سرکوبها، مبارزه زنان ایران برای خلاصی از زندانی که در آن به اسارت درآمده اند، و علیه بیحقوقی و تحقیر لحظه ای متوقف نشده است. حضور یک جنبش وسیع رهایی زن یک واقعیت انکار ناپذیر جامعه ایران است. این جنبش باید با تمام

سیاسی و اجتماعی و فرهنگی برابر باشند. بشریت متمدن نباید اجازه دهد که در هیچ گوشه ای از جهان چنین رفتار شنیعی با انسانها شود.

از اینرو ما خواهان :

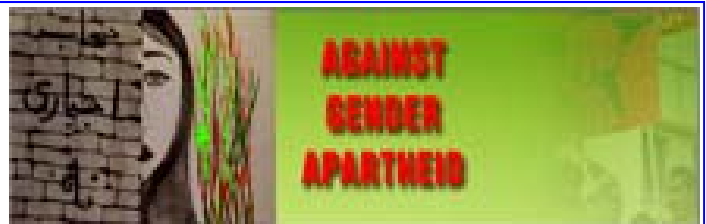
۱. محکومیت سیستم آپارتاید جنسی توسط کلیه مجامع بین المللی و حقوق بشری هستیم.

۲. محکومیت رژیم اسلامی ایران بمتابه سمبل سیستم آپارتاید جنسی در جهان هستیم

۳. اخراج دولتهای مبتنی بر آپارتاید جنسی از کلیه مجامع بین المللی هستیم.

به سایت ما با نام و آدرس زیر مراجعه کنید و برای ما نامه بنویسید:

www.againstgenderapartheid.com/



علیه آپارتاید جنسی

آپارتاید جنسی، تقسیم و جدایی انسانها بر مبنای جنسیت، یکی از اشکال زشت و کریه زن ستیزی و تبعیض علیه انسانها در برخی از جوامع کنونی و جمهوری اسلامی بطور مشخص است. آپارتاید جنسی سیستمی است که دولتها و جریانات اسلام سیاسی به زور بر مردم تحمیل کرده اند. آپارتاید جنسی سیاستی شنیع و همطراز آپارتاید نژادی است و همچون آپارتاید نژادی باید از جامعه بشری طرد شود. زن و مرد باید در تمامی شئون زندگی اقتصادی،

نه به مجازات اعدام = نه به جمهوری اسلامی!



خانه مدوسا به محل جدید انتقال یافت

تجربیات مشترک، شکستن تابوها و عبور از مرزهای ممنوعه، عاملی برای به واقعیت بدل کردن کنترل زندگی خود است! با فراهم آوردن کمک و ابزار حمایتی می توان اعمال روشهای خشونت آمیز را از زندگی خود دور کرد و کنار گذاشت!

بعد از ظهر پنجشنبه ها از ساعت ۱۷ تا ۲۰ برای ملاقات با شما در لوکال ویکتوریا هوست حضور خواهیم داشت تا به بحث و تبادل نظر بپردازیم. برای اطلاع بیشتر از دیگر فعالیتهای "خانه مدوسا" با ما در لوکال جدید خانه مدوسا ملاقات کنید!

<p>آدرس جدید Viktoriahuset Linnégatan 21 B Gothenburg</p>	<p>مدیر خانه مدوسا شهلا نوری تلفن تماس: 0737262622 Plusgirot: 15015073-8</p>
---	--

فلسفه وجودی خود را تقابل با نابرابری و بی حقوقی مطلق زن در عراق تعریف می کنند، آرزوی موفقیت دارد.

جهت امضاء پتیشن اعتراضی به آدرس زیر مراجعه کنید:

<http://www.equalityiniraq.com/>

زنده باد آزادی، زنده باد برابری

سازمان آزادی زن

۲۷ آبان ۸۷



تجاوزی جدید به حقوق زنان در کردستان عراق

خبر تصویب قانون ارتجاعی اسلامی "تعدد زوجات" از طرف پارلمان کردستان عراق، در چند روز گذشته، اقدامی بود در جهت مشروعیت بخشیدن به حکومتی اسلامی. این قانون پس از تصویب در پارلمان دولت مرکزی عراق در پارلمان منطقه کردستان هم بتصویب رسید، تا به بردگی هرچه بیشتر زنان، مهری قانونی بزند.

احزاب عقب افتاده، مردسالار و عشیره ای ناسیونالیست منطقه طی ۱۷ سال گذشته همواره تلاش کرده اند که مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم را در یک همکاری گسترده با جریانات اسلامی، به انقیاد خود درآورند تا دل ارتجاع اسلامی را بدست آورند. تا بتوانند در قدرت سهیم باشند.

این احزاب خود عامل تعیین کننده ای در عقب نگاه داشتن جامعه و تسلط دست مذهب بر زندگی مردم هستند.

تصویب این قوانین در پی تصویب ماده ۷ قانون اساسی کردستان که شریعت اسلام را مبنای قانونگذاری در کردستان عراق میداد، در دستور کار پارلمان کردستان عراق قرار گرفت تا نفوذ مذهب و مردسالاری لجام گسیخته را قانونی جلوه دهد.

فقط در سال جاری ۸۰ زن در کردستان عراق به قتل رسیده اند و ۲۱۵ زن خودسوزی کرده اند. این آمار نشانگر تأثیرات نظم نوین جهانی به سرکرده گی آمریکا و باز شدن دست اسلام است.

اینها تلاش می کنند تا با اسلامی کردن قوانین، آداب و سنن قرون وسطی را عادی و بخشی از فرهنگ مردم کردستان عراق جلوه دهند.

اما از طرف دیگر بخش سکولار، سوسیالیست و کمونیست جامعه، با اعتراضات خود سدی هستند در مقابل این قوانین و درمقابل این ارتجاع اسلامی. از جمله تلاشگران این عرصه، سازمان آزادی زن در عراق است که با شعار برابری کامل زن و مرد به میدان مبارزه آمده است.

سازمان آزادی زن، برای فعالین سازمان آزادی زن در عراق، که

شما هم در پیشبرد کمپینهای سازمان آزادی زن سهیم باشید و پتیشنهای زیر را امضاء کنید!

کمپین برای آزادی فعالین حقوق زن

http://www.petitiononline.com/mod_perl/signed.cgi?marvam20

علیه لایحه ارتجاعی محروم کردن دختران دانشجو از زندگی مستقل بپاییزیم!

<http://www.petitiononline.com/nsin2008/>



نقاشی از دلارا دارابی

رهائی زن همین امروز!

خشونت اسیدی علیه دختران در افغانستان

تحت مداوا قرار دارند. اما زخم های بقیه دانشجویان سطحی ارزیابی شده است.

مسئول بخش جراحی در شفاخانه میرویس قندهار به خبرنگار بی بی سی گفته است، دانش آموزان با چادر (و یا برقع) از آسیب بیشتر محافظت شده اند. اما من با ایشان موافق نیستم روبند (برقع) هیچ فاصله ی با صورت ندارد که سبب حمایت آنها بشود بل فاصله حمله کنندگان سبب شد تا عده ای از دختران دچار سوختگی کمتر شوند.

گزارشات رسانه های خیری در افغانستان میروسانند که مقامات ولایت قندهار و شاهدان عینی می گویند دو نفر که سوار بر موتورسکلیت بودند با تیانچه های پلاستیکی مملو از اسید به دختران حمله کردند. اما اینکه این جنایت توسط کدام گروه صورت گرفته تا هنوز معلوم نیست. به گفته یک تحلیل گر

مسائل سیاسی در افغانستان "طالبان هم مسئولیت این حمله را به عهده نگرفته". پس معلوم نیست چی کسانی عامل این حمله وحشیانه هستند، مردم متعصب محلی، استفاده جوانان مذهبی و یا تروریستان پاکستانی؟

به نقل قول از مقامات وزارت معارف افغانستان، در نتیجه افزایش ناامنی ها حدود شش در صد مکاتب در مناطق ناآرام افغانستان بسته شده و دانش آموزان از ادامه آموزش محروم شده اند. باید در مبارزه علیه این خشونت که در شکل خود چیز جدیدی است با اقدامات بازدارنده جلوگیری شود. ولی برای اینکه این عمل باعث مانع عمومی دختران برای رفتن به مکتب نشود تغییر نگرش مردم احتیاج به تلاش بیشتری دارد.

هرچند شرایط بد امنیتی همیشه تمام مردم افغانستان را صدمه رسانده است، اما بیشتر قربانیان مصائب و جنگ های سیاسی را زنان تشکیل داده اند. زنان که در اکثر جوامع

خصوصاً افغانستان همشیه درگیر و دستخوش نابسامانی های اجتماعی به اشکال گوناگون بوده اند، اینک دچار نوع مصیبت دیگری شده اند که سبب شد تا دختران در مناطق ناامن خصوصاً جنوب افغانستان از تحصیل بازمانند. به گفته مقامات وزارت معارف سال قبل نیز در این ولایت به دختران دانش آموز حمله صورت گرفته بود اما به شکل فجیع آن شاید بار نخست بود که مردم قندهار آنرا تجربه کردند.

زنان که در زمان حاکمیت طالبان دستخوش همه نوع خشونت بودند بار دیگر در موجودیت نیروهای حافظ صلح هم با جنایات طالبان به اشکال دیگر چوآتش زدن و مسدود ساختن مکاتب دخترانه در مناطق نا آرام و تحت کنترل طالبان روبروشدند.

خشونت اسیدی که آسیبی بزرگ برای جامعه افغانی خصوصاً زنان است، میتواند اثرات شدید دیگری چون آسیب روانی، که قربانی از آن به عنوان نتیجه یک خشونت رنج

خواهند برد، در پی داشته باشد. من معتقد هستم اکثر قربانیان هرگز از درد روحی رها نخواهند شد و سرانجام دچار عدم تعادل روانی می شوند. این قربانیان هرگز شغلی نخواهند یافت، ازدواج نخواهند کرد و حتماً به عنوان سربار خانواده به آنها نگاه خواهند کرد. هیچ جراحی نمی تواند صورت سوخته آنها را به حالت قبلی برگرداند. جراحی تنها می تواند خونریزی ناشی از سوختگی را کاهش دهد، اما درمان کامل آن امکان پذیر نیست. شاید مانند صدها معیوب دیگر محتاج خانواده و دیگران باشند. همان طوریکه جنگ های طولانی در افغانستان صدها انسان را در شرایط مشابه قرار داد. ممکن است اسید پاشی به ارقام این مشکلات به افزایش از بابت خطرناک بودن موضوع باید عواملن شدیداً مورد تعقیب ارگانهای امنیتی قرار گیرند و در قسمت تامین امنیت دختران دانش آموز، تدابیر بهتر در نظر گرفته شود.

۱۵-۱۱-۲۰۰۸



نشریه های گذشته دسترسی پیدا کنید.

برای تماس با اعضای شورای مرکزی سازمان آزادی زن به لینک تماس با ما مراجعه کنید.

جهت ایجاد ظرف متحد کننده وسیعترین توده های زن و مرد در ایران به سازمان آزادی زن بپیوندید تا با هم علیه بیحقوقی زنان، علیه مردسالاری لجام گسیخته و برای رهایی زنان مبارزه کنیم.

<http://www.azadizan.net/>

<http://www.womensliberation.net/english/>



سخنی با خوانندگان نشریه سازمان آزادی زن

شما می توانید با مراجعه به سایت سازمان آزادی زن، از تمامی فعالیتهای این سازمان آگاهی پیدا کنید.

لینکهای سخنرانیها و جلسات پالتاکی ما در این سایت قابل دسترسی است.

در ضمن شما می توانید با مراجعه به لینک نشریه آزادی زن، به

نشریه آزادی زن از انتقادات و پیشنهادات شما استقبال می کند.

مطالب، انتقادات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال کنید.

رئیس سازمان آزادی زن آذر ماجدی: azamajedi@yahoo.com

هیئت تحریریه نشریه سازمان آزادی زن: zan.azadi@yahoo.com

آدرس سایت: www.azadizan.net یا www.azadizan.com

زنده باد آزادی زن، زنده باد برابری!